



## گردشگری و اوقات فراغت

<http://doi.org/10.22133/TLJ.2023.378364.1070>

### واکاوی موانع سفر نابینایان

زهرا راجی\*

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	امروزه گردشگری از حقوق مسلم شهروندی به شمار می‌رود. با این حال، گروه‌هایی در جامعه نمی‌توانند از این حق مسلم به‌سادگی بهره‌برند. سالمندان، افراد ناتوان جسمی و حرکتی، افراد با آسیب‌ها و ضعف‌های بینایی یا اختلالات ذهنی از جمله این گروه‌ها هستند که در بهره‌مندی از خدمات فعلی گردشگری و سفر با مشکلات بی‌شماری مواجه‌اند. در پژوهش پیش‌رو، موانع گردشگری برای نابینایان بررسی شده‌اند. واکاوی نیازها و موانع گردشگری و سفر برای این گروه جمعیتی از راه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ایشان یکی از روش‌های متقن برای نیازسنجی و برنامه‌ریزی متناسب با نیازهای ویژه این گروه است. از این‌رو، درباره موانع سفر با نوزده نفر از نابینایان کشور مصاحبه نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. داده‌ها با روش تحلیل تماتیک و به‌وسیله نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی اطلس تی‌آی تحلیل شده است. بنابر یافته‌های پژوهش، موانع گردشگری نابینایان را می‌شود در قالب موانع فرهنگی، مالی و اقتصادی، فردی و فیزیکی دسته‌بندی کرد. همچنین، برای برون‌رفت از این موانع و تحقق گردشگری در دسترس، لازم است حوزه‌های فردی، اجتماعی، فیزیکی، فرهنگی و زیرساختی در قالب برنامه‌ای منسجم مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.
تاریخ دریافت:	۱۴۰۱/۹/۲۹
تاریخ پذیرش:	۱۴۰۱/۱۰/۱۹
واژگان کلیدی:	گردشگری در دسترس معلولیت نابینایان برنامه‌ریزی گردشگری
*نویسنده مسئول	
رایانامه: mahtaraji1422.mr@gmail.com	

نحوه استناددهی:

راجی، زهرا (۱۴۰۱). واکاوی موانع سفر نابینایان. گردشگری و اوقات فراغت، ۷(۱۴)، ۱-۱۴.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

## مقدمه

امروزه گردشگری را می‌توان یکی از حقوق مسلم شهروندی تلقی کرد. به زعم برگا (1980)، فراغت یکی از ارزشمندترین جلوه‌های آزادی انسان است. با این همه، برنامه‌ها و امکانات مربوط به گردشگری برای همگان به‌گونه‌ای یکسان در دسترس و مورد استفاده نیست. معلولان جسمی از جمله روشن‌دلان (نابینایان) یکی از گروه‌های جمعیتی‌اند که در برنامه‌ها و سیاست‌های گردشگری به نیازهای خاص ایشان در حوزه گردشگری کمتر توجه شده است. با آن‌که در سال ۱۹۸۰ سازمان جهانی گردشگری<sup>۱</sup>، در اعلامیه مانیل<sup>۲</sup>، وظیفه ارائه بهترین دسترسی و اقدامات غیرتبعیض‌آمیز گردشگری را تنظیم کرد و همچنین، در سال ۱۹۹۱، سند ایجاد فرصت‌های گردشگری برای معلولان تصویب شد، همچنان شاهد غفلت سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه گردشگری از نیازها و شرایط ویژه افراد دارای معلولیت از جمله نابینایان هستیم. فراتر از نگرش فیزیولوژیک (کاراندام‌شناسانه) و با اتکا به رویکرد حق‌مدار، می‌توان مدعی شد که معلولیت ویژگی ذاتی افراد نیست که ایشان را از مشارکت فعالانه در جامعه باز می‌دارد؛ بلکه بیش از همه ریشه در تبعیض‌های تحمیل‌شده از سوی جامعه در محیط اجتماعی و فیزیکی دارد که توانایی افراد را برای مستقل بودن محدود می‌سازد و در کنش متقابل بین آسیب‌های فردی و پاسخ‌های جامعه به آن‌ها در تقلیل انتظارات نقشی، تعصبات، قوانین غیردوستانه و سیاست‌های تبعیض‌آمیز تجلی می‌یابد (Albrecht, 2006, p. 588). به‌منظور دسترسی آحاد جامعه به گردشگری، در نظریات متعدد با استناد به اصول گردشگری در دسترس<sup>۳</sup> به اهمیت گردشگری به‌منزله حقی آشکار برای شهروندان اشاره شده است. در عمل، اقدامات لازم برای تسهیل سفر و گردشگری این گروه از جامعه آن‌چنان که شایسته است اجرایی نشده است. داری و دیکسون (2009)، با اتخاذ رویکردی جامع به گردشگری در دسترس، این شکل از گردشگری را مشمول کودکانی که غالب حرکات آن‌ها با وسایلی کمکی چون کالسکه صورت می‌پذیرد، معلولان جسمی/ حرکتی، روشن‌دلان و سالمندان می‌دانند (به نقل از آهانگران و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳). افراد دارای معلولیت، در مقایسه با دیگران، غالباً با تجارب متفاوتی از گردشگری و سفر مواجه‌اند. دشواری‌های مرتبط با حمل‌ونقل عمومی، جابه‌جایی و انتخاب محل اقامت متناسب با نیازهای ویژه ایشان با این تجربه متفاوت گره خورده است. محدودیت‌های دسترسی فیزیکی/ محیطی چون حمل‌ونقل، تسهیلات اقامتی و جاذبه‌های دسترسی‌ناپذیر در محیط از جمله محدودیت‌هایی است که تجربه متفاوت و چالش‌برانگیزی را برای گردشگران روشن‌دل در سفر به همراه می‌آورد. بوهایلیس و داری (2010, p. 50) نیز چالش‌های حمل‌ونقل را یکی از مهم‌ترین چالش‌های فیزیکی بیرونی در سفر معلولین می‌دانند. به زعم شفیع و همکاران (۱۳۹۳، ص ۴۲)، موانعی اساسی در رابطه با سفر معلولان وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته عوامل ذاتی، عوامل اقتصادی، عوامل محیطی و عوامل تعاملی دسته‌بندی کرد. در حال حاضر، به‌رغم تلاش‌های متعدد برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه گردشگری، معلولان همچنان با موانع فیزیکی، اقتصادی و تعاملی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مناسب‌سازی راه‌ها با توجه به محدودیت‌های معلولان، در دسترس قراردادن وسایل نقلیه مناسب ایشان، تلاش برای توانمندسازی و افزایش استقلال فردی معلولان و ایجاد بستری برای اشتغال و فعالیت اقتصادی و اجتماعی ایشان از راه‌های مؤثر برای تحقق گردشگری در دسترس است. بدین ترتیب، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های شهری لازم است به‌گونه‌ای جامع و فراگیر با ویژگی جسمی و شرایط تمامی مردم از جمله معلولان متناسب باشد تا افراد دارای معلولیت نیز از حقوق و فرصت‌های برابر در جامعه به‌عنوان شهروندان ذی‌حق صرف‌نظر از سن، جنس، نوع معلولیت و شرایط اقتصادی اجتماعی برخوردار شوند (سازمان بهداشت جهانی به نقل از پژوهان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۰). یکی از شروط طراحی و برنامه‌ریزی صحیح برای توسعه گردشگری در دسترس آگاهی از نیازهای معلولان و آکاوای موانع موجود در راه تحقق گردشگری در دسترس است. به این ترتیب، در پژوهش پیش‌رو موانع موجود در سفر و گردشگری با اتکا به

1. UNWTO  
2. Manila Declaration  
3. accessible tourism

نیازهای ویژه روشندان واکاوی و به این پرسش اساسی پاسخ داده شده است که موانع سفر روشندان و تحقق گردشگری در دسترس از منظر ایشان چیست؟

## مبانی نظری

معلول به کسی گفته می‌شود که مشکل جسمی یا ذهنی قابل توجه و طولانی مدتی دارد، به صورتی که این مشکل بر توانایی وی در انجام فعالیت‌های طبیعی و روزمره اثر می‌گذارد. ناتوانی از این منظر به چهار دسته تقسیم می‌شود: ناتوانی شنوایی، ناتوانی بینایی، ناتوانی جسمانی و ناتوانی ذهنی (ازتورک<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸ به نقل از اسعدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۸۶). مدل‌های مرتبط با معلولیت را می‌شود در قالب مدل پزشکی، اجتماعی و حقوق شهروندی خلاصه کرد. در مدل پزشکی، مبنا جداسازی افراد دارای معلولیت از سایر افراد است و معیار این جداسازی عامل «توانایی» است. بر این اساس، هر فردی که قادر نباشد کارکردی چون سایرین در جامعه داشته باشد باری برای جامعه به‌شمار می‌رود. دوران اوج رواج این اندیشه در قرن بیستم بود. در این نگرش، سیاست‌ها به‌سوی جداسازی یا نزدیک‌کردن هرچه بیشتر افراد دارای معلولیت با سایرین پیش می‌رود. دیدگاه دیگر، دیدگاه اجتماعی است که در خلال آن سیاست‌ها به‌سوی کاهش فاصله میان افراد دارای معلولیت و سایر افراد در جامعه پیش می‌رود. در این دیدگاه، به‌جای تمرکز بر ناتوانی افراد، تمرکز بر «نامتناسب بودن شرایط و امکانات اجتماعی» برای بهره‌مندی افراد از حقوق خویش است. در مدل حقوق شهروندی، که مدلی حق‌مدار شناخته شده است، معلولیت پدیده‌ای است ناشی از ساختار سیاسی و اجتماعی. تمرکز و تأکید اصلی این مدل بر «حق» استوار است. از این منظر، افراد دارای معلولیت حقوق اجتماعی مشخصی دارند. رواج گردشگری در دسترس با اتکا به مفهوم حق از تحولات نسبتاً نوین در مطالعات گردشگری به‌شمار می‌رود (نظری اورکانی، ۱۳۹۳ به نقل از کروی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴۰). گردشگری افراد دارای معلولیت، گردشگری بدون مانع و گردشگری جهانی دیگر عناوینی‌اند که به این شکل از گردشگری نسبت داده شده است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۲). گردشگری دسترس‌پذیر شامل فرایندهایی است که افراد نیازمند دسترسی (از لحاظ تحرک، بینایی، شنوایی و ابعاد ادراکی دسترسی) را برای مشارکت مستقلانه در فعالیت‌های گردشگری و بهره‌مندی از محصولات گردشگری، با توجه به اصل برابری و حفظ شأن و منزلت ایشان، توانمند می‌سازد (Buhalis & Darcy, 2010, p. 10). گردشگری در دسترس متضمن سه ارزش استقلال، برابری و شأن و منزلت افراد است. در این شکل از سفر، برنامه‌ریزی و اجرای گردشگری به‌گونه‌ای صورت می‌پذیرد که افراد با وجود موانع موجود ناشی از معلولیت قادر به تجربه‌کردن سفر باشند. داری و همکاران (2010) اشاره کرده‌اند که گردشگری در دسترس افراد معلول را قادر می‌سازد که مستقلاً در فعالیت‌های گردشگری مشارکت داشته باشند و از محصولات گردشگری، بدون مانع، استفاده کنند. مشارکت فعالانه گردشگری برای همگان اغلب هدف اولیه گردشگری در نظر گرفته می‌شود. به زعم شاطریان و همکاران (۱۳۹۵)، گردشگری معلولان یکی از انواع گردشگری خاص است. سفری که به‌منظور تفریح، فراغت، تعطیلات، سلامتی، آموزش، امور دینی، ورزش، تجارت یا دلایل خانوادگی از سوی افراد دارای معلولیت صورت می‌پذیرد گردشگری معلولان نامیده می‌شود (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۰). بر اساس مطالعات پیشین، محدودیت‌هایی که افراد دارای معلولیت برای سفر با آن مواجه‌اند در قالب موانع ذاتی معلولیت و موانع بیرونی قابل تعریف و تقسیم‌بندی است. محدودیت‌های ذاتی نیز چون محدودیت‌های بیرونی (دشواری در استفاده از وسایل نقلیه، محل اقامت، زیرساخت‌های شهری و...) بر اولویت‌های فراغتی و سفر این افراد تأثیر می‌گذارد. از منظر منل و کلایبر<sup>۲</sup> (2006) دشوارترین حالت روان‌شناختی که در معلولان بروز می‌کند حالتی است که در نتیجه اصرار بیش از حد به فعالیتی که به آن علاقه ندارند یا قادر به انجام آن نیستند ایجاد می‌شود. این محققان اذعان می‌کنند که در بسیاری از مواقع آنچه از آن با عنوان بی‌علاقگی یاد می‌شود انعکاسی است از فقدان اعتمادبه‌نفس برای مشارکت موفقیت‌آمیز در فعالیت‌ها (داتیلو، ۱۳۹۷، ص ۳۹).

1. Ozturk

2. Mannell & Kleiber

بیزجاک<sup>۱</sup> و همکاران (2011) بر این نظرند که یکی از مهم‌ترین موانع سفر افراد دارای معلولیت مانع فرهنگی است. به زعم ایشان، موانع فرهنگی تبعیض‌ها و برچسب‌هایی است که از سوی دیگر افراد بر افراد دارای معلولیت تحمیل می‌شود. در همین راستا، مولین (1992) اظهار می‌کند که نگرش‌ها و برچسب‌های منفی افراد در رأس موانعی است که موجب عدم مشارکت و حضور معلولان در جامعه می‌شود. همان‌گونه که در پیش‌تر بیان شد، در سال‌های اخیر، گردشگری حقی مسلّم برای تمامی افراد در نظر گرفته شده است. از این منظر، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان باید، با عنایت به نیازهای ویژه گروه‌های خاص، مسیر تجربه سفری ایمن، آسان و دلپذیر را برای ایشان آسان سازند. همچنین، پیش‌تر گفته شد که موانع تحقق گردشگری در دسترس، به‌ویژه به اعتنا به معلولان، در گروه‌های متعددی تقسیم‌بندی می‌شوند. به این ترتیب، لازم است در رفع موانع موجود، با نگاهی چندجانبه، تمامی عوامل مانع‌ساز در تحقق گردشگری در دسترس مدنظر قرار گیرد. با این حال، موانع موجود در تحقق گردشگری در دسترس، با توجه به زیرساخت‌ها و تسهیلات گردشگری هر جامعه، گفتمان غالب درباره معلولیت، شیوه‌های توانمندسازی افراد معلولان و ابعاد فرهنگی و اجتماعی، متفاوت‌اند. بنابراین، مصاحبه با معلولان در جامعه مطالعه‌شده شناخت دقیقی از موانع موجود در آن جامعه را به همراه دارد. از این رو، در پژوهش پیش‌رو، به منظور احصای موانع موجود در تحقق گردشگری در دسترس، به‌ویژه در رابطه با معلولان، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته‌ای<sup>۲</sup> صورت گرفته است.

### پیشینه پژوهش

وودساید و اتزل<sup>۳</sup> (1980)، در پژوهش خود با محوریت معلولیت و گردشگری، نقش شرایط جسمی و ذهنی در رفتار گردشگری را ارزیابی کردند. آهنگران و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «تدوین الگوی گردشگری قابل دسترس»، به ارزیابی دیدگاه تعدادی از معلولان جسمی/حرکتی درباره مهم‌ترین موانع سفر و گردشگری پرداخته‌اند. پیشنهادهای شایان توجه ایشان در راستای مهم‌ترین موانع سفر معلولان عبارت است از: کاهش و رفع محدودیت مالی معلولان جسمی/حرکتی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی در راستای ترویج استانداردهای دسترسی، تقویت سازمان‌های مرتبط با سفر و تأسیس آژانس‌های تخصصی گردشگری معلولان، معرفی و تبلیغ معلولان و تقویت مشارکت ایشان. شفیع و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تسهیلات مورد نیاز گردشگران نابینا در موزه‌ها، به منظور توسعه گردشگری در دسترس»، اذعان کرده‌اند که مسیرهای عبور نامشخص، بیرون‌زدگی اشیاء و موانع سد راه بازدیدکنندگان نابینا است و برای دسترسی فیزیکی آن‌ها مشکل ایجاد می‌کند. همچنین، این پژوهشگران بیان کرده‌اند که اقلام لمسی و صوتی لازم برای روشندان فراهم نیست و برچسب‌ها و راهنماهایی‌ها در قالب خط بریل ارائه نشده‌اند. کروب و همکاران (۱۳۹۹) نیز، در پژوهش خویش با عنوان «الگوی عوامل رفتاری توسعه گردشگری دسترسی پذیر برای افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی (مورد مطالعه: شهر تهران)»، بیان کرده‌اند که عوامل رفتاری در دو دسته اصلی عوامل فردی (ویژگی‌های شخصی افراد دارای معلولیت و ادراک این افراد از تعامل با محیط) و عوامل میان‌فردی (مسئولیت عمومی در قبال افراد دارای معلولیت، آموزش جامعه، وابستگی افراد دارای معلولیت به همراه ایجاد حس مثبت در این افراد) بر توسعه گردشگری دسترسی پذیر تأثیرگذارند. فهیمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) نیز، در پژوهشی با عنوان «طراحی مدل مبتنی بر تحلیل راهبردی عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش همگانی اقشار خاص (مورد مطالعه: جامعه جانبازان، معلولان، ناشنوایان و نابینایان)»، که با هدف طراحی مدل مبتنی بر تحلیل راهبردی عوامل اثرگذار بر توسعه مشارکت ورزشی جانبازان، معلولان، ناشنوایان و نابینایان کشور صورت پذیرفته است، اذعان کرده‌اند که عوامل فردی و خانوادگی تعیین‌کننده دیدگاه و نگرش‌های اقشار خاص است و چنانچه عوامل محیطی، به لحاظ ساختاری و فرهنگی، قابلیت توسعه میزان مشارکت ورزشی برای افراد معلول را داشته باشد، زمینه کشف و بروز استعدادها و بیشتری نیز فراهم خواهد شد. در این راستا می‌توان به

1. Bizjak  
2. Semi-structured interview  
3. Woodside and Etzel

پژوهش پرنده خوزانی (۱۳۹۳) نیز اشاره کرد. خوزانی در پژوهش خود با عنوان «توسعه گردشگری برای ناتوانان جسمی: نمونه موردی هتل‌های ۳، ۴ و ۵ ستاره اصفهان»، به این مسئله اشاره کرده است که بسیاری از هتل‌ها پذیرای افراد دارای معلولیت‌اند، با این حال مدیران با استانداردهای لازم برای دسترسی معلولان آشنا نیستند و تمایلی برای حضور در کارگاه‌های آموزشی برای کسب اطلاعات در این خصوص ندارند. هاشمی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود با عنوان «محدودیت‌های ادراک‌شده گردشگری توسط معلولان، در پرتو نظریه درماندگی آموخته‌شده سلینگمن<sup>۱</sup>»، با رویکردی توصیفی و با عنایت به نظریه درماندگی آموخته‌شده سلینگمن، به تبیین محدودیت‌ها و موانع سفر در ارتباط با تمایل معلولان به شرکت در فعالیت‌های گردشگری پرداخته و به این نتیجه اشاره کرده است که عوامل درون‌فردی، بین‌فردی، ساختاری، نگرشی-ساختاری و عوامل فیزیکی از ابعاد و عوامل مربوط به محدودیت‌های سفر برای معلولان است. مرادی (۱۳۹۹) نیز، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی تجارب زمین‌گردشگری نابینایان در ایران، به بررسی چگونگی دسترسی و دستیابی به اطلاعات سفر، چگونگی مسیریابی و ایمنی محیط در سفر، میزان دانش و چگونگی نگرش فعالان گردشگری در مواجهه با زمین‌گردشگران (ژئوتوریست‌های) نابینا در زمین‌گردشگری‌های (ژئوتورهای) ماجراجویانه (رفتینگ) و کویرنوردی اصفهان و شهرکرد پرداخته و به این نتیجه رسیده است که هیچ مسیر ایمن و مناسب‌سازی‌شده‌ای در مسیر جاذبه‌ها و مقاصد گردشگری برای نابینایان در نظر گرفته نشده است و فعالیت‌ها و تفریحات مناسب برای سرگرمی آنان نیز وجود ندارد. همچنین، امیدی خانکهدانی (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی قابلیت‌های توسعه گردشگری در دسترس با تأکید بر کاربران ویلچر و نابینایان در موزه‌ها (مورد مطالعه: موزه تاریخ طبیعی و تکنولوژی شهر شیراز)»، به این نتیجه رسیده است که مسیرهای عبور برای کاربران صندلی چرخ‌دار مناسب است، اما آن‌ها به اقلام و برچسب‌هایی که در ارتفاع بالا نصب شده‌اند دسترسی ندارند؛ علاوه بر آن که طبقه دوم موزه به علت نداشتن آسانسور برای ایشان کاملاً غیرقابل دسترس است. به این ترتیب، لازم است تسهیلاتی برای رفع موانع یادشده فراهم شود. بنا بر یافته‌های این پژوهش، افراد نابینا قادر به درک هیچ‌یک از اقلام به‌نمایش درآمده در موزه نیستند و به علت تشخیص‌ندادن مسیر سرگردان می‌شوند و با موانع بسیاری برخورد می‌کنند. بر این اساس، پژوهشگر بیان کرده است که برای در دسترس ساختن موزه لازم است تسهیلاتی چون فایل‌های صوتی، خط بریل، اقلام و ماکت‌های لمسی ارائه شود. همچنین، لازم است مسیری عاری از موانع همراه با علائم قابل تشخیص طراحی شود. در پژوهش چوپانکاره و قیصریه (۱۴۰۰) با عنوان تدوین الگویی اثربخش برای طراحی خدمات گردشگری مذهبی مخصوص نابینایان در حرم آستان قدس رضوی»، نقاط ضعف و قوت خدمات فعلی آستان قدس رضوی تحلیل و بررسی شده و الگویی اثربخش برای طراحی خدمات گردشگری مذهبی، مجموعه خدمات و محصول برای رفاه بیشتر نابینایان در حرم حضرت رضا (ع) در ایران تدوین شده است. مؤیدفر و شهامت (2021) در پژوهش خود، ضمن برشمردن گردشگری به‌منزله حقی آشکار برای همگان، به ارزیابی فضاهای گردشگری به‌منظور افزایش حضور معلولان در شیراز پرداخته و اذعان کرده‌اند که با رعایت استانداردها و قوانین طراحی شهری می‌توان نیازهای معلولان را در اماکن تفریحی و جاذبه‌های گردشگری مرتفع ساخت. توتونچو<sup>۲</sup> و لایبرمن (2016)، در پژوهش خود با عنوان «قابلیت دسترسی هتل‌ها برای افراد مبتلا به اختلالات بینایی»، به ارزیابی موانع استفاده آسان افراد مبتلا به اختلالات بینایی در هتل‌ها پرداخته و بیان کرده‌اند که ورودی نامناسب هتل‌ها، مناسب نبودن اتاق‌ها و نبود دسترسی به راهنمایی‌های لمسی و صوتی از عوامل مهمی است که بهره‌مندی نابینایان از هتل‌ها را ناممکن می‌کند. پوریا (2009) نیز، در مقاله خود با عنوان «بازدید معلولان از موزه‌های هنر»، به ارزیابی موانع و مشکلات بهره‌مندی نابینایان و معلولان حرکتی و استفاده‌کنندگان از صندلی چرخ‌دار پرداخته و بیان کرده است که عناصر فیزیکی و غیرفیزیکی (نگرش سایر بازدیدکنندگان و تعاملات کارکنان با ایشان) از چالش‌ها و موانع پیش‌روی معلولان در بازدید از موزه‌ها است. آن‌چنان‌که مطرح شد، پژوهشگران بسیاری به ارزیابی موانع سفر معلولان

1. Seligman  
2. Tüttüncü

پرداخته‌اند و به‌منظور برون‌رفت از این موانع پیشنهادها و راهکارهایی را ارائه داده‌اند. با این حال، اغلب پژوهش‌های داخلی موانع و چالش‌های نابینایان را در خصوص بازدید از موزه‌ها ارزیابی کرده‌اند؛ اما رویکرد پژوهش پیش‌رو کلی‌تر است و به ارزیابی موانع سفر در تمامی اشکال - نه صرفاً گردشگری میراث یا گردشگری فرهنگی - و تحقق گردشگری در دسترس نیز پرداخته است.

### روش پژوهش

اطلاعات پژوهش با مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. مصاحبه‌ها از آبان‌ماه تا آذرماه ۱۴۰۰ به طول انجامید. معیارهای انتخاب مشارکت‌کنندگان داشتن معلولیت بینایی و تمایل به مشارکت در پژوهش بوده است. بدین ترتیب، با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف<sup>۱</sup> (قضاوتی)، نوزده مورد انتخاب شد. سؤالات پژوهش درباره موانع پیش‌روی روشندانان برای سفر و راهکارهای توسعه گردشگری در دسترس بود، که با نظر صاحب‌نظران و مبتنی بر مبانی نظری شکل گرفت. گفتنی است که زمان مصاحبه برای همه یکسان نبود و بسته به شرایط و درک هر فرد از سؤالات این زمان بین ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در تغییر بود. گردآوری اطلاعات تا مرحله اشباع نظری<sup>۲</sup> پیش رفت و مصاحبه تا جایی انجام شد که نکات جدیدی درباره مفاهیم و مقولات پژوهش به دست نیامد. همچنین، برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از روش تحلیل تماتیک<sup>۳</sup> (زمینه‌ای) بهره گرفته شد. در روش مزبور، مقولات از طریق ارزیابی و بازخوانی داده‌ها مشخص می‌شوند. در این پژوهش، پس از انجام مصاحبه با هریک از مشارکت‌کنندگان، متن مصاحبه‌ها نوشته و مفاهیم از خلال تحلیل جزء به جزء و خط به خط استخراج شدند. سپس، مفاهیمی که به لحاظ معنایی با یکدیگر مرتبط بودند ذیل یک مقوله تقسیم‌بندی شدند. در تحلیل تماتیک با نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی اطلس‌تی‌آی<sup>۴</sup>، یافته‌ها در قالب مفاهیم و مقولات استخراج و بازنمایی شدند. شایان ذکر است، به‌علت دسترسی‌نداشتن به برخی از مشارکت‌کنندگان، ارتباط با تعدادی از آن‌ها از طریق برقراری تماس تلفنی یا ارسال فایل صوتی در پیام‌رسان‌ها صورت پذیرفت. با این حال، یافتن افرادی که مایل به شرکت داوطلبانه در پژوهش و پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش باشند به آسانی صورت نپذیرفت. این مسئله را می‌توان یکی از محدودیت‌ها و چالش‌های انجام این پژوهش نام برد.

### یافته‌ها

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، هدف از انجام این پژوهش ارزیابی موانع پیش‌روی روشندانان در سفر و تحقق گردشگری در دسترس بوده است. در ارزیابی یافته‌های پژوهش، به نیازهایی که این گروه بیان کرده‌اند برخوردیم. از آنجاکه شناخت نیازهای این گروه در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای گردشگری در دسترس اهمیت کلیدی دارد، در بخش یافته‌ها به تعدادی از این نیازها اشاره می‌شود. نیاز روشندانان برای سفر و مشارکت در گردشگری در قالب مفاهیمی چون نیاز به مناسب‌سازی معابر شهری، تسهیل دسترسی به فناوری‌های ارتباطی متناسب با نیاز روشندانان، مناسب‌سازی سامانه حمل‌ونقل عمومی، تابلوها و علائم حسی ویژه معلولان و نابینایان صورت‌بندی شده است که در ادامه به اختصار بیان می‌شود؛ گرچه بسیاری از نیازهای بیان‌شده صرفاً در حیطه موضوعی گردشگری محصور نمی‌ماند و به برنامه‌ریزی شهری نیز مرتبط می‌شود.

نیاز به مناسب‌سازی معابر شهری: در این خصوص می‌توان به فضاهای شهری چون کوچه‌ها، مصالح به‌کاررفته در کف و بدنه، و پیاده‌روها اشاره کرد. بنابر یافته‌های به دست آمده از مصاحبه، کوچه‌های کم‌عرض و تفکیک‌نشده پیاده‌رو از بخش ماشین‌رو نابینایان را در تردد با مشکلاتی مواجه می‌کند. همچنین، وجود شیب‌های طولی و عرضی نامناسب، سدمعبر توسط مغازه‌داران یا دست‌فروشان، نصب نامناسب

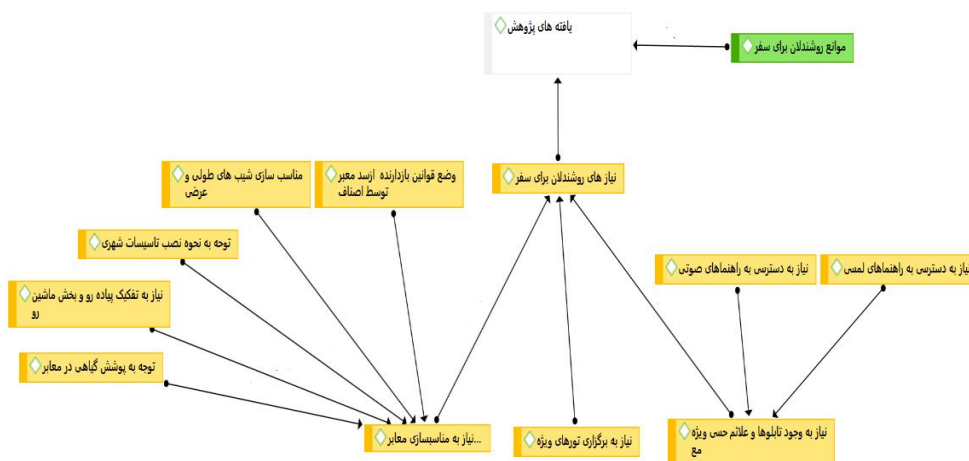
1. Semi-structured interview
2. Purposive sampling
3. Theoretical saturation
4. Thematic analysis
5. ATLAS-Ti

## راجی / واکاوی موانع سفر نابینایان

تأسیسات و امکاناتی چون باجه‌های تلفن و صندوق‌ها در پیاده‌رو، پستی‌ها و بلندی‌های کف پیاده‌رو و فقدان مقررات بازدارنده برای عبور موتور سیکلت‌ها از پیاده‌رو از دیگر معضلاتی است که نابینایان را در عبور و مرور در شهر به‌خصوص کوچه‌ها دچار مشکل می‌کند. بی‌توجهی به پوشش گیاهی مناسب در پیاده‌روها نیز از دیگر معضلاتی است که ممکن است سلامت روشندان را به خطر اندازد. شاخه‌های آویزان درختان در گذرگاه‌های پارک به‌هیچ‌وجه با عصای نابینایان قابل لمس نیست و چه‌بسا این شاخ و برگ باعث صدمه‌زدن به این افراد شود و این خود عاملی برای احساس ناامنی در آن‌ها است. رعایت این نکته در گذرگاه‌ها آرامش روانی و احساس ایمنی را برای نابینایان به همراه خواهد داشت (کارگری، ۱۳۷۰، ص ۳۰). مشارکت‌کنندگان در این پژوهش بیان کرده‌اند که یکی از نیازهای اساسی ایشان برای سفر و گردشگری داشتن احساس امنیت از مناسب بودن مسیرها و معابر شهری است.

نیاز به وجود تابلوها و علائم حسی ویژه معلولان و نابینایان: یکی از نیازهایی که بیشتر مشارکت‌کنندگان بیان کرده‌اند دسترسی به تابلوها و علائم لمسی ویژه است. همچنین، تابلوهای راهنما باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که گروه‌های متعددی چون روشندان و معلولان جسمی/حرکتی که از صندلی چرخدار استفاده می‌کنند هم بتوانند از آن استفاده کنند. بدین ترتیب، طراحان باید به ارتفاع تابلوهای راهنما و صوتی یا تصویری بودن آن حساسیت و دقت لازم را داشته باشند. به زعم مشارکت‌کنندگان، یکی از فضاهایی که در آن نیاز به تابلوها و علائم حسی ویژه احساس می‌شود وسایل نقلیه عمومی از جمله اتوبوس‌ها و قطارها است. مصاحبه‌شونده شماره ۱ می‌گوید: «اگر تابلوهای صوتی در اتوبوس‌ها و قطارها باشند، ما می‌توانیم به‌راحتی ایستگاه‌های موردنظر را تشخیص بدهیم. نبود این تابلوها یا راهنماهای صوتی باعث می‌شود بسیاری از روشندان از استفاده از این وسایل نقلیه هراس داشته باشند و کمتر در جامعه شرکت داشته باشند.»

نیاز به برگزاری تورهای ویژه: برگزاری تورهایی متناسب با نیازهای روشندان از مقولاتی است که مشارکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند. بنا بر اظهارات تعدادی از مشارکت‌کنندگان، برگزاری تورهای ویژه روشندان با عنایت به نیازهای ایشان سفری ایمن‌تر و راحت‌تر را برایشان رقم خواهد زد. چنان‌که مشارکت‌کننده شماره ۱۳ اظهار می‌کند: «سفر جمعی روشندان در تورهای گردشگری یکی از نیازهای ما است. به‌خصوص اگر بخشی از هزینه‌ها توسط خیریه‌ها و مؤسساتی برعهده گرفته شود.» باین‌حال، نباید از خاطر برد که برگزاری تورهای گردشگری ویژه روشندان تنها راه برطرف کردن موانع و نیازهای این گروه نیست. گرچه با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها این تورها سفر را برایشان آسان می‌کند، اما لازم است اقداماتی دیگر نیز برای آسان‌سازی سفر فردی و مستقل روشندان صورت گیرد.



نمودار ۱: شبکه نیازهای روشندان برای سفر

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان

کد مشارکت‌کننده	سن	جنسیت	وضعیت اشتغال
۱	۲۷	زن	گوینده رادیو
۲	۳۴	مرد	سخنران
۳	۳۶	زن	هنرمند صنایع دستی
۴	۴۳	مرد	مسئول امور فرهنگی کانون نابینایان
۵	۲۵	زن	دانشجو
۶	۲۷	زن	دانشجو
۷	۳۰	مرد	گوینده رادیو
۸	۵۴	زن	خانه‌دار
۹	۴۷	زن	مدرس دانشگاه
۱۰	۲۳	مرد	دانشجو
۱۱	۴۳	زن	خانه‌دار
۱۲	۵۵	مرد	سخنران
۱۳	۳۰	زن	جویای کار
۱۴	۲۳	زن	دانشجو
۱۵	۳۹	زن	جویای کار
۱۶	۴۳	مرد	مدرس خط بریل
۱۷	۳۸	زن	خانه‌دار
۱۸	۳۶	مرد	روان‌شناس و مشاور
۱۹	۵۰	مرد	مدرس دانشگاه

از محدودیت‌ها و موانع سفر روشندان که احصای آن‌ها هدف اصلی پژوهش پیش‌رو است، محدودیت‌های مالی، موانع فرهنگی/اجتماعی، موانع فیزیکی و موانع فردی است.

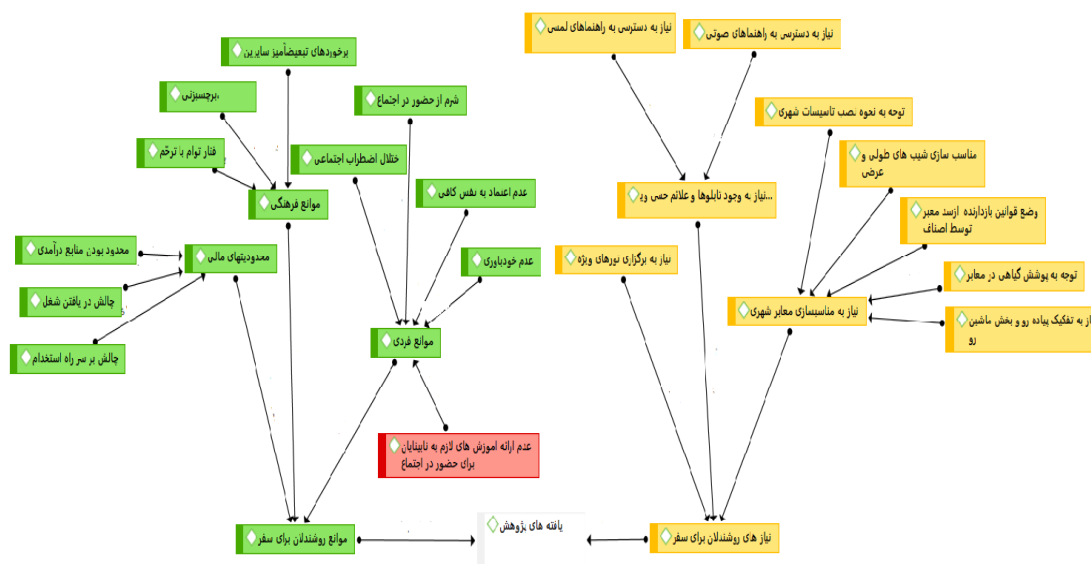
**محدودیت‌های مالی:** بنابر یافته‌های پژوهش، موانع و محدودیت نابینایان در یافتن شغل ایشان را برای مشارکت در فعالیت‌های گردشگری با دشواری مواجه می‌سازد. همان‌گونه که اصغری (۱۳۸۸) اشاره می‌کند، افراد با آسیب‌های بینایی در استخدام و یافتن شغل با مشکلات متعدد شناختی و اجتماعی چندجانبه‌ای مواجه‌اند (اصغری، ۱۳۸۸، ص ۵۰). وجود چنین مشکلاتی بر سر راه استخدام و اشتغال نابینایان جنبه‌های متعدد زندگی، تصمیم‌ها و اولویت‌بندی‌های ایشان از جمله اولویت‌بندی و تصمیم‌گیری در حوزه فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مشارکت‌کننده شماره ۱۵ در این خصوص ابراز می‌کند: «ما نابیناها خیلی سخت می‌تونیم کار پیدا کنیم... وضع زن‌ها به نظرم کمی بهتره... بالاخره مهارت‌هایی مثل کیف‌بافی، بافت لباس، درست کردن ترشیجات و شیرینی یا حتی بافت فرش و قالی رو دارند اما همین هم درآمد کمی داره... درآمد کمی که از این راه‌ها به دست می‌آریم، اجازه سفر رو به ما نمی‌ده... من و همسرم فقط یک بار با کانون نابینایان به مشهد رفتیم.» مشارکت‌کننده شماره ۶ نیز در این خصوص اذعان می‌کند: «معمولاً ما نابیناها به‌خاطر مشکلات مالی کمتر می‌تونیم به مقاصد مختلف سفر کنیم... تمام سفرهایی که رفتیم با کمک مالی خیریه‌ها و کانون بوده نه هزینه شخصی؛ اون هم به جاهای تکراری... قطعاً اگر هزینه شخصی م‌کفایم می‌داد به کیش سفر می‌کردم.»



**موانع فرهنگی:** موانع فرهنگی یکی از موانعی است که بارها از سوی مشارکت‌کنندگان عنوان شده است. برخوردهای تبعیض‌آمیز دیگران، برجسب‌زنی، رفتار ترحم‌آمیز از جمله مفاهیم بیان‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان است که ذیل مقوله موانع فرهنگی گنجانیده شده است. به گفته بسیاری از مشارکت‌کنندگان، این رفتارهای ترحم‌آمیز، که ناشی از نبود راهنماهای متناسب با نیاز نابینایان و آموزش صحیح درباره رفتار با نابینایان است، گرایش نابینایان به سفر و حضور در فعالیت‌های گردشگری را کاهش می‌دهد. مشارکت‌کننده کد ۱۴ در این خصوص می‌گوید: «زمانی که به سفر می‌رم، معمولاً به خاطر ناآشنا بودن مسیرها ممکنه کمی از دیگران کمک بخوام یا دچار اضطراب شم... طوری که استرس توی صورت یا لحن صدام معلومه. در این زمان می‌خوام که دیگران بهم کمک کنن، مثل بقیه افراد که تقاضای کمک می‌کنن. اما بیشتر این راهنمایی‌ها با ترحم و واژه‌هایی مثل آخی، بنده خدا، طفلکی همراهه... این مسئله روان ما رو خیلی به هم می‌ریزه... این مسئله توی نوجوون‌ها و بچه‌ها خیلی بیشتر آزاردهنده‌س. من به‌شخصه برای دوری از چنین برخوردهایی از رفتن به خیلی جاها صرف‌نظر کردم... مخصوصاً وقتی نوجون بودم.»

**موانع فیزیکی:** همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد، یکی از موانع بدیهی پیش‌روی نابینایان برای سفر موانع فیزیکی است. یافته‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان نیز گویای آن است که موانع فیزیکی یکی از موانع جدی سفر به‌شمار می‌رود. موانع فیزیکی موجود در پیاده‌روها، خیابان‌ها، نبود تسهیلات لازم و متناسب با نیاز نابینایان در وسایل نقلیه، راه‌های ارتباطی و مراکز اقامتی از مفاهیم گنجانیده شده در مقوله موانع فیزیکی است. با توجه به تکرار این مقوله در پژوهش‌های متعدد، لازم است نهادهای مرتبط برای رفع این موانع به‌طور جدی پیگیری کنند. مشارکت‌کننده شماره ۵ در این خصوص می‌گوید: «پیاده‌روهای نامناسب و ناامن و چاله‌های بزرگ و کوچک در خیابان‌ها و کوچه‌ها یکی از مواردی که انگیزه ما برای سفر به مناطق جدید رو کم می‌کنه. اگر هم انگیزه کم نشه معمولاً باعث می‌شه آزادی عمل و استقلال‌مون گرفته شه... خودم اولین باری که از شیراز به تهران اومدم برای دانشگاه، توی مسیر خوابگاه به شاخه تیز درخت با صورتم برخورد کرد و باعث شد صورتم زخمی شه... از اون روز تا مدت‌ها مادرم با من به تهران می‌اومد... خب من از این موضوع حس خوبی نداشتم و احساس می‌کردم استقلال‌م گرفته شده... همین حالا هم فکرکردن بهش آزارم می‌ده.»

**موانع فردی:** یکی از مقولات شایان توجه مقوله موانع فردی است که دربردارنده مفاهیمی چون فقدان خودباوری، نبود اعتمادبه‌نفس کافی برای سفر مستقل، شرم از حضور در اجتماع و اختلال اضطراب اجتماعی است. وجود این مقوله در کنار سایر مقولات نشانگر آن است که در رفع موانع موجود برای تحقق گردشگری در دسترس لازم است علاوه‌بر توجه به عوامل اجتماعی، فیزیکی و زیرساخت‌ها به عوامل فردی نیز توجه شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۰ در این خصوص می‌گوید: «من از غذا خوردن، راه رفتن و حرف زدن توی جمع و محیط‌های ناآشنا خیلی خجالت می‌کشم یا حتی می‌ترسم. به‌خاطر همین هم خیلی دوست ندارم توی مهمونی‌ها، فروشگاه‌ها، خیابون و سفر به خصوص توی روزهای شلوغ حضور داشته باشم.» بسیاری از این موانع فردی بر اثر ناآگاهی خانواده‌ها، اولیای مدرسه و اطرافیان افراد روشندل در برخورد با ایشان شکل می‌گیرد. رفتار مناسب با ایشان، به همراه ارائه آموزش مهارت‌های لازم برای حضور روشندان در اجتماع از شکل‌گیری بسیاری از موانع فردی چون هراس از حضور در اجتماع، شرم از حضور و نبود اعتمادبه‌نفس کافی جلوگیری می‌کند. چنان‌که مشارکت‌کننده شماره ۱۸ می‌گوید: «خیلی از نابینایان به این خودباوری نرسیدن که می‌تونن به‌تنهایی نیازهای خودشون رو برآورده کنن. خیلی از مواقع این فقدان خودباوری ناشی از واکنش بقیه‌ست اما در مواقعی هم ناشی از ضعف‌های شناختی خود نابینایانه... به‌رحال باید کاری کرد که نابینایان از لاک تنهایی خودشون بیرون بیان و با شرکت توی کلاس‌های شناختی به خود باوری برسن.»



نمودار ۲: شبکه نیازهای روشن‌دلان برای سفر و موانع پیش روی ایشان

## نتیجه‌گیری

گردشگری را می‌شود یکی از حقوق بدیهی شهروندان و افراد جامعه به‌شمار آورد. اما این حق مسلم برای گروه‌های متعددی در جامعه به‌آسانی قابل دسترسی نیست. بهره‌مند نبودن تام و کامل برخی گروه‌های جمعیتی از حق گردشگری بنا به دلایل متعدد درونی و بیرونی رخ می‌دهد. یکی از گروه‌های جمعیتی که در دسترسی به حق گردشگری و سفر موانع و نیازهای ویژه‌ای دارند، نابینایان‌اند. ناهمواری مسیرهای عبور و مرور، مناسب‌نساختن وسایل نقلیه و مراکز اقامتی متناسب با نیاز نابینایان فرصت سفر مستقلانه ایشان را محدود می‌سازد و با چالش روبه‌رو می‌کند. موانع فرهنگی چون برچسب‌زنی‌ها و رفتارهای برخاسته از تحرم دیگران از دیگر عواملی است که به کاهش تمایل این گروه جمعیتی به مشارکت در برنامه‌های گردشگری می‌انجامد. در این پژوهش، موانع گردشگری در دسترس با مدنظر قراردادن نابینایان واکاوی شده است. واکاوی نیازها و موانع در این خصوص به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و در نتیجه اقداماتی اصولی و متناسب با نیازهای ویژه نابینایان در قالب گردشگری در دسترس می‌انجامد. بدین منظور، نوزده تن از نابینایان مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌عمل آمد. بر این اساس، مشخص شد که روشن‌دلان در این جامعه آماری موانع تحقق گردشگری در دسترس را در مواردی چون موانع فردی، فرهنگی، فیزیکی، و مشکلات و محدودیت‌های مالی می‌دانند. هم‌سو با نتایج پژوهش‌های بی‌جی‌اک و همکاران (2011)، توتونچو و لایرمن (2016)، آویس و همکاران (2005) و مولین (1992)، یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که یکی از موانع اصلی تحقق گردشگری در دسترس مانع فرهنگی (چگونگی تعاملات دیگران، برچسب‌زنی‌ها و رفتارهای تحرم‌آمیز) است. علاوه‌براین، در این پژوهش مشخص شد که یکی از دیگر موانع اثرگذار در حضور فعالانه روشن‌دلان در برنامه‌ها و مقاصد گردشگری عوامل فردی (خودکم‌بینی، شرم از حضور در اجتماع، اضطراب اجتماعی و...) است. این نتیجه هم‌سو با نتایج پژوهش کیانو و همکاران (2022) است. همچنین، بر اساس یافته‌های پژوهش، یکی از موانع

اثرگذار در تحقق گردشگری در دسترس موانع فیزیکی است. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های شفيعی و همکاران (۱۳۹۵)، مرادی (۱۳۹۹)، خانکهدانی (۱۳۹۴)، توتونچو و لایرمن (۲۰۱۶)، و پوریا (۲۰۰۹) هم‌سو است. همچنین، مشارکت‌کنندگان در خلال پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش درباره موانع گردشگری به برخی از نیازهای خود در تجربه سفر و مشارکت در فعالیت‌های گردشگری اشاره کردند. در این خصوص می‌شود به نیاز به مناسب‌سازی معابر شهری، برگزاری تورهای ویژه روشن‌دلان بر حسب نیازها و شرایط ایشان و نیاز به دسترسی به تابلوها و علائم راهنما به صورت حسی اشاره کرد. این یافته نیز با نتایج پژوهش شفيعی و همکاران (۱۳۹۵)، اسمال و همکاران (۲۰۱۲)، کانترو (۲۰۱۸)، ریچاردز و همکاران (۲۰۱۰) و بهرام پورگیوی و همکاران (۱۳۹۷) هم‌سو است.

با عنایت به موانع و نیازهای مطرح‌شده در مصاحبه‌ها، پیشنهادهایی برای برون‌رفت از موانع گردشگری نابینایان و دستیابی به گردشگری در دسترس ارائه می‌شود:

- برنامه‌های آموزشی/ فرهنگی به منظور رفع موانع فرهنگی (مجموعه برچسب‌ها و رفتارهای ترحم‌آمیز) و افزایش مهارت‌های شناختی و خودباوری نابینایان تدارک دیده شود. این هدف در قالب برنامه‌های درسی رسمی، برنامه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای و دوره‌های روان‌شناختی محقق خواهد شد.

- در راستای تسهیل فرایند گفت‌وگو، برنامه‌ای منسجم برای برگزاری تورهای گردشگری ویژه روشن‌دلان در دستور کار نهادهای مربوط قرار گیرد. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، این راهکار جایگزین تمامی راه‌های رفع موانع گردشگری روشن‌دلان نخواهد بود، اما به علت تأثیری که در گفت‌وگو، نیازهای معلولان و افزایش اعتماد به نفس روشن‌دلان دارد حائز اهمیت است.

- رفع موانع فیزیکی، مناسب‌سازی پیاده‌روها و محل‌های عبور و مرور و تجهیز اماکن اقامتی و خدماتی به وسایل متناسب با نیاز روشن‌دلان در دستور کار سازمان‌های مربوط قرار گیرد. همان‌گونه که در بخش یافته‌ها از آن سخن به میان آمد، یکی از اصلی‌ترین موانع تردد روشن‌دلان در سطح شهر موانع فیزیکی است که بر سر راه آن‌ها وجود دارد و سلامتی و امنیتشان را تهدید می‌کند. مرتفع کردن بخشی از این موانع مستلزم اعمال قوانین و ضوابط شهرسازی، قوانین راهنمایی و رانندگی برای جلوگیری از پارک‌کردن وسایل نقلیه در پیاده‌روها و مناسب‌سازی مصالح مورد استفاده در معابر است.

### پیشنهاد به پژوهشگران آتی

پیشنهاد می‌شود در راستای برنامه‌ریزی و توسعه هرچه بهتر گردشگری در دسترس، تحقیقاتی درباره چگونگی برطرف کردن نیازها و موانع گردشگری روشن‌دلان با عنایت به توصیه‌های خبرگان و کارشناسان انجام دهند. توجه به موانع، نیازها و پیشنهادها نابینایان همراه با نظر کارشناسان خبرگان قوت و اثربخشی بیشتری به طرح‌های اجرایی برای گردشگری در دسترس می‌بخشد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آتی واکاوی ایده‌ها و نظریات کارشناسان و خبرگان حوزه گردشگری و توان‌بخشی افراد دارای معلولیت و آسیب‌های بینایی را دور از نظر نگاه ندارند.

### منابع

آهنگران، جعفر، موسوی بازرگان، سیدجلال، نظری و اورکانی، سولماز (۱۳۹۳). تدوین الگوی گردشگری قابل دسترس. گردشگری، ۲(۲). ۲۰-۱۱.

اسعدی، میرمحمد، باصولی، مهدی، برومندزاد، یاسمین و آقاباقری، فهیمه (۱۳۹۸). طراحی مدلی برای توسعه گردشگری معلولین در شهر یزد. مطالعات اجتماعی گردشگری، ۷(۷). ۳۸۳-۴۰۴.

اصغری، مریم (۱۳۸۸). موانع اشتغال افراد با آسیب بینایی و راهکارهای موجود. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، ۹(۹). ۴۵-۵۲.

- امیدی خانکهدانی، مریم (۱۳۹۴). بررسی قابلیت‌های توسعه گردشگری در دسترس با تأکید بر کاربران ویلچر و نابینایان در موزه‌ها (مورد مطالعه: موزه تاریخ طبیعی و تکنولوژی شهر شیراز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، برنامه‌ریزی گردشگری. دانشگاه هنر. دانشکده پژوهش‌های عالی هنر و کارآفرینی. اصفهان.
- بهرام پورگیوی، سارا، الله‌دادی، مرضیه وامرایی، بابک (۱۳۹۷). بررسی عوامل اثر در طراحی مسیریابی نابینایان (مطالعه موردی: ساختمان‌های عمومی). جلوه هنر، ۱۰(۳)، ۷-۱۴.
- پرند خوزانی، بهنوش (۱۳۹۳). توسعه گردشگری برای ناتوانان جسمی، نمونه موردی: هتل‌های ۳، ۴ و ۵ ستاره شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه گردشگری. دانشگاه هنر اصفهان.
- پژهان، علی، پیراهری، نیر و روستایی، سجاد (۱۳۹۷). مطالعه دسترس‌پذیری خدمات و تسهیلات برای افراد با آسیب بینایی شهر تهران. مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۳(۱)، ۱۹-۳۸.
- چوپانکاره، وحید و قیصریه، زینب (۱۴۰۰). تدوین الگویی اثربخش برای طراحی خدمات گردشگری مذهبی مخصوص نابینایان در حرم آستان قدس رضوی. ششمین کنفرانس بین‌المللی گردشگری، فرهنگ و هنر.
- داتیلو، جان (۱۳۹۷). فراغت، درآمدی بر آموزش اوقات فراغت. عباس اردکانیان و عباس حسینی (مترجمان). تهران: مهکامه.
- شاطریان، محسن، اشنویی، امیر و گنجیپور، محمود (۱۳۹۵). بررسی مناسب‌سازی فضاها شهری جهت دسترسی معلولین و جانبازان، مطالعه موردی: ادارات دولت شهر کاشان. آمایش جغرافیایی فضا، ۶(۲۲)، ۷۶-۵۹.
- شفیعی، زاهد، امیدی خانکهدانی، مریم، ترابی فارسانی، ندا و مرتضوی، محمد (۱۳۹۵). بررسی تسهیلات مورد نیاز گردشگران نابینا در موزه‌ها، به‌منظور توسعه گردشگری در دسترس. دومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم مدیریت، اقتصاد و حسابداری، بابل.
- شفیعی، زاهد، ترابی فارسانی، ندا و پرند خوزانی، بهنوش (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر گردشگری در دسترس (گردشگری برای ناتوانان). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- فهیمی‌نژاد، علی، حسینیان مهاجر، سیدعسگر، مرسل، باقر و طیبی‌ثانی، سیدمصطفی (۱۳۹۹). طراحی مدل مبتنی بر تحلیل راهبردی عوامل اثرگذار بر توسعه ورزش همگانی اقشار خاص (مورد مطالعه: جامعه جانبازان، معلولان، ناشنوایان و نابینایان. نشریه مدیریت ورزشی، ۳(۱۲)، ۸۹۱-۹۰۶.
- کارگری، ملیحه (۱۳۷۰). معلولان و پارک. انتشارات واحد آموزش و تحقیقات سازمان پارک‌ها.
- کروبی، مهدی، ضیائی، محمود، محمودزاده، سیدمجتبی و فکری‌زاد، نازنین (۱۳۹۹). الگوی عوامل محیطی توسعه گردشگری دسترس‌پذیر برای افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی (مورد مطالعه: شهر تهران). گردشگری و توسعه، ۱۰(۱)، ۱۷-۳۲.
- مرادی، فاطمه (۱۳۹۹). بررسی تجارب زمین گردشگری نابینایان در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه گردشگری، دانشکده علوم گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
- نظری اورکانی، سولماز (۱۳۹۳). تدوین الگوی گردشگری قابل دسترس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و فرهنگ. دانشکده علوم گردشگری.
- هاشمی، مانده (۱۴۰۰). محدودیت‌های ادراک‌شده گردشگری توسط معلولان، در پرتو نظریه درماندگی آموخته‌شده سلیگمن. گردشگری و اوقات فراغت، ۶(۱۱)، ۱۱۷-۱۲۷.

- Avis, A. H., Card, J. A., & COLE, S. T. (2005). Accessibility and attitudinal barriers encountered by travelers with physical disabilities. *Tourism Review International*, 8(3), 239-248.
- Bizjak, B., Knežević, M., & Cvetežnik, S. (2011). Attitude Change Towards Guests with Disabilities. *Annals of Tourism Research*, 38(3), 842-857.
- Bregha, F. J. (1980). Leisure and freedom re-examined. *Recreation and leisure: Issues in an era of change*. Venture Publishing, Inc, 30-37.
- Buhalis, D., & Darcy, S. (Eds.). (2010). *Accessible Tourism: Concepts and Issues*. Bristol: Channel View Publications. DOI:10.1108/JTF-07-2015-0042.
- Cantero, K. N. G. (2018). Theoretical analysis on the foundations of sensory-based tourism for the blind. *Journal of American Academic Research*, 6(1), 120-126.
- Darcy, S., & Dickson, T. J. (2009). A whole-of-life Approach to Tourism: The Case for Accessible Tourism Experiences. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 16(1), 32-44.
- Darcy, S., Cameron, B., & Pegg, S. (2010). Accessible tourism and sustainability: a discussion and case study. *Journal of Sustainable Tourism*, 18(4), 515-537.
- Mannell, R. C., Kleiber, D. A., Staempfli, M. (2006). Psychology and Social Psychology and the Study of Leisure. In: Rojek, C., Shaw, S. M., Veal, A. J. (eds) *A Handbook of Leisure Studies*. Palgrave Macmillan, London, 109-124.
- Moayedfar, S., & Shahamat, A. (2021). Evaluating of Urban Tourism Spaces with the Disability Attendance Approach Case Study: Shiraz City. *Urban Tourism*, 7(4), 91-108.
- Muloin, S. (1992). *Wilderness Access for Persons with a Disability*. *Ecotourism*, 20-25.
- Poria, Y., Reichel, A., & Brandt, Y. (2009). People with Disabilities Visit Art Museums: An Exploratory Study of Obstacles and Difficulties. *Journal of Heritage Tourism*, 4(2), 117-129.
- Qiao, G., Xu, J., Ding, L., & Chen, Q. (2022). The impact of volunteer interaction on the tourism experience of people with visual impairment based on a mixed approach. *Current Issues in Tourism*, 1-18.
- Richards, V., Pritchard, A., & Morgan, N. (2010). (Re) Envisioning tourism and visual impairment. *Annals of Tourism Research*, 37(4), 1097-1116.
- Small, J., Darcy, S., & Packer, T. (2012). The embodied tourist experiences of people with vision impairment: Management implications beyond the visual gaze. *Tourism Management*, 33(4), 941-950.
- Tütüncü, O., & Lieberman, L., (2016). Accessibility of Hotels for People with Visual Impairments: From Research to Practice. *Journal of Visual Impairment and Blindness (Online)*, 110(3), 163.
- Woodside, A. G., & Etzel, M. J. (1980). Impact of physical and mental handicaps on vacation travel behavior. *Journal of Travel Research*, 18(3), 9-11.

## **Analysis of Travel Obstacles for Blinds**

**Zahra Raji**

Ph.D. student of social welfare, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

### **Abstract**

Today, tourism is recognized as one of the inalienable rights of citizens. However, some groups in society are not able to benefit from this inalienable right simply. The elderly, people with physical and mobility disabilities, and people with visual impairments and mental disorders are among these groups who face many challenges in tourism and travel services. In this research, the obstacles to tourism for blind people have been studied. Analyzing the needs and barriers of tourism and travel for this demographic group through semi-structured interviews with them is one of the most reliable methods for needs assessment and planning according to the special needs of this group. Therefore, in the present study, a semi-structured interview was conducted with 19 blind people regarding the needs and obstacles of travel. The data were analyzed by thematic analysis method and by Atlas T.I. qualitative data analysis software. The findings of the research show that the obstacles can be categorized as cultural, financial and economic, individual and physical obstacles. Also, to solve these obstacles, it is necessary to consider Individual, social, physical, cultural, and infrastructural aspects in the form of a coherent program for planners and policymakers.

**Keywords:** Accessible tourism, Disability, Blind people, Tourism planning